دوستان بسیار عزیز، هم میهنان ارجمند، سلام و درود پر مهر بر همه شما

ما امشب در اینجا جمع گشته‌ایم برای برگزاری یکی از مراسم آئینی ایران باستان، مراسم شب یلدا ~~[illegible]~~ ~~(حقیقت دو شب پیش بود)~~

یلدا یعنی تولد (به زبان سامی) تولد مهر یا میترا - ایزد نور و روشنائی، ایزد خورشید و آتش، ایزد راستی و پاکی و دوستی، ایزد یا فرشته دادوری، هوشیاری و امیدواری.

در کتاب اوستا، در یشت دهم، سرود بلند و زیبائی هست به نام «مهریشت» در ستایش میترا. بنابراین سرود "مهر دارنده دشت‌های گسترده است. بر گردونه‌ای سوار است که چهار اسب سپید آن را پیش می‌برند. جایگاه او بر فراز البرز کوه است که هم از آنجا مردمان و سرزمین‌های آریائی را نگاهبانی می‌کند

اما بر اساس اسطوره‌ها، مهر دارای هزار چشم است که هیچ گاه خواب نمی‌رود. همه چیز را می‌بیند و می‌شنود. میترا در مرکز جهان قرار دارد و بر تمام کائنات نور و نیرو می‌بخشد. او دشمن تاریکی و [illegible] و ناپاکی ا[illegible]

میترا ایزد روشنائی و پاکی، سرچشمه آئین زردشتی بعدی ~~[illegible]~~ است یعنی ستایش اهورا مزدا و نکوهش اهریمن آورنده ظلمت و ناپاکی و تاریکی و دروغ. ~~از کهن‌ترین~~ (کتیبه میتانی هیتی پیش از [illegible]) ۱۴۰۰ سال

نخستین و کهن‌ترین شناسه‌ای که نام میترا در آن آمده در پیمان نامه‌ای ~~در سرزمین قوم هیتی‌ها~~ مربوط به هزار و چهارصد سال پیش از میلاد مسیح

مهری دنبالان یا میترا پرستان در شب یلدا یعنی میلاد ایزد روشنائی و خورشید ابتداء در غارهای طبیعی ~~[illegible]~~ سپس در غارهای مصنوعی رو به آفتاب جمع می‌شدند و آتش می‌افروختند و در نیایش و ستایش میترا سرود می‌خواندند. بعدها در مهرکده‌هائی که آثارشان در ایران هم هنوز باقی است در نقاط مختلف [illegible] به برگزاری شب یلدا می‌پرداختند. ~~[illegible]~~ در شب ~~یلدا~~ امشب سفره و سفره‌ی یلدا می‌گستردند و میوه‌های تازه و خشک که در میان آنها هندوانه و انار حتماً بود که تا امروز هم مرسوم است. این دو میوه به نظر آنها حرارت و سرخی خورشید دارند که به انسان تندرستی می‌بخشند و نیز در شب یلدا نوعی افشره که اثر مست کننده داشت هم می‌نوشیدند و به نیایش و ستایش فروغ ازلی و ابدی می‌پرداختند

با کوچ کردن آریائی‌ها به سرزمین‌های دور (اروپا و افریقا) مراسم مهر آئینی در آنجا هم رواج گرفت. سرانجام در قرن چهارم میلادی یا اوایل قرن پنجم به فرمان یک امپراطور روم شرقی مراسم جشن یلدا ۲۱ دسامبر به میلاد عیسی مسیح در ۲۵ دسامبر تبدیل شد (با تغییر گاه‌شماری با ماه‌های کبیسه) بنابراین ~~[illegible]~~ که نام کریسمس را به دنیای مسیحیت و به هم دوستان مسیحی‌مان شادباش [illegible]

خوب این بود سخنی چند درباره‌ی شب یلدا ~~که از زرتشتیان و بابلی~~ و در رسم مهرآئینی نیاکان ما جالب است که در نزد سال‌های پیش نام دبیرستان دخترانه مهرآئین بود. نمی‌دانم هنوز هست یا نه

و حالا ببینیم یلدا در ادبیات فارسی بیشتر در شعر چه معنی و چه نقشی داشته. این درازترین و سیاه‌ترین (که گاهی هم [illegible]) شب سال، این آخرین شب پائیز و اولین شب زمستان که به شومی و سیاهی و [illegible] تا این مشهور شده، با شاعران ایران هم [illegible] با شاعران بزرگ ما نظر و الطافی داشته‌اند.

شب یلدا سیاه و ~~دراز~~ بلند است مثل زلف یار. بیش از هزار سال است که هزاران مصرع و بیت با این محتوای شعر سروده شده که زلف معشوق شاعر ایرانی اگر هم طلائی و حنائی باشد قطعاً در شعر عاشقانه مثل یلدا بلند و سیاه است. رنگ چشم آن یار هم قطعاً سیاه باید باشد. «دو چشمش روز روشن را شب یلدا کند» منوچهری

یلدا یادی دیگری هم دارد که طولانی و تلخ است مثل شب فراق عاشقان و این است چند نمونه:

نظر به روی تو هر بامداد نوروز است — شب فراق تو هر شب که هست یلدائی است. سعدی

هنوز با همه دردم امید درمان است — که آخری بود آخر شبان یلدا را سعدی

روز روشن چو بر انداخت نقاب از سر زلف — گوئی از روز قیامت شب یلدا برخاست

آری که آفتاب مجرد به تیغ شعاع — بیخ کواکب ~~شب~~ یلدا برافکند خاقانی

و باز از ~~سعدی~~ به لهجه سعدی

دوستان عزیز، ما همگان که همگی به نوعی گرفتار دوری از یار و دیار هستیم که ~~امید که~~ به دیدار آن روز روشن ~~داریم~~ امید داریم برای همه شب یلدائی هم [illegible] با یاران [illegible]
سال [illegible] همه ~~دوستانم~~ مهربان [illegible] چلهٔ خورشیدی [illegible] پر نور و شعف و آرزومندم [illegible] روی سیاهی [illegible] دور [illegible] ~~[illegible]~~ همه ایران را [illegible]
روز را هم بسیار از [illegible]

در درازترین روز مراسم جشن در شرقی کشورهای اسکاندیناوی و سواحل بالتیک به نام لیگو یا [illegible] کوپالا هر ساله برگزار می‌شود